

روز یکشنبه برادر استیو کینگ برای ما درباره‌ی کتاب استر موعظه خواهد کرد. متن موعظه در ادامه می‌آید.

بخش‌هایی از این موعظه درباره‌ی تاریخ و فرهنگ ایران باستان در زمان حکومت خشایارشا و خود خشایارشا است.

باشد که برکت گیریم  
استر ۱-۲ - قدرت و ضعف

موضوع اصلی:

دنیای اطراف ما قدرتمند و مطلوب به نظر می‌رسد - اما سطحی و ناتوان است. قوم خدا ضعیف و آسیب پذیر به نظر می‌رسند، اما خدا در خفا کار می‌کند.

چیده‌ی مبحث:

ما یک پادشاه داریم، عیسی، که راهش زیباتر و پسندیده تر است. او قدرت واقعی دارد که از آن به سود خود استفاده نکرد؛ ضعف و آسیب پذیری او بر روی صلیب، پیروزی نهایی خدا بر گناه و تاریکی بود.

بحث کتاب مقدس

مقدمه

به عنوان یک مسیحی، آیا تا به حال این احساس به شما دست داده که با همه افراد اطرافتان سازگار نیستید؟ ما مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌های اخلاقی، و در نتیجه شیوه‌ای برای زندگی داریم که مانند همه افراد اطرافمان، مانند فرهنگ جاری جامعه نیست. ما به عنوان قوم خدا در دنیایی تبعیدی هستیم که گاهی ارزش‌های کاملاً متفاوتی دارد، گاهی اوقات این خیلی بد به نظر نمی‌رسد - فاصله بین ما و دوستانمان ممکن است همیشه آنقدر بزرگ به نظر نرسد ام برخی مواقع دیگر ممکن است شکاف را احساس کنیم - و این را حس کنیم که ما برای چیزی کاملاً متفاوت زندگی می‌کنیم.

پس چه کنیم؟ آیا از متفاوت بودن اجتناب می‌کنیم، سعی می‌کنیم با دیگران ترکیب شویم؟ آیا ما به بقیه مردم می‌گوییم که همیشه اشتباه می‌کنند؟ این خیلی مهربان به نظر نمی‌رسد. شاید ما رابطه خودمان را با دیگران قطع کنیم و در جامعه مسیحی خود پنهان شویم. اما به نظر می‌رسد که این نیز پاسخ درستی نیست. پس چه کنیم؟

این همان چیزی است که کتاب استر در مورد آن است. این درباره قوم خدا است که در تبعید در سرزمینی بیگانه یعنی در امپراتوری قدرتمند ایران زندگی می‌کنند. آنها با آن جامعه وفق پیدا نمیکنند - وفاداری به خداوند متعال کاملاً در تضاد با ارزش‌های امپراتوری ایران است! پس چگونه این کار را انجام خواهند داد؟ آیا آنها به خدا وفادار خواهند ماند؟ ما ۵ هفته را صرف خواندن این کتاب با هم می‌کنیم و این چیزی است که خواهیم دید - چه معنایی دارد که مردم به خدا وفادار باشند در فرهنگی که ارزش‌های کاملاً متفاوتی برای آنها دارد؟ این هفته به فصل ۱ و ۲ نگاه می‌کنیم. خواندن آن خیلی طول میکشد، اما همانطور که ادامه می‌دهیم متوجه آن خواهیم شد. خودتان آن را در طول هفته بخوانید، داستان خوبی است

امروز فقط ۲ نکته اصلی داریم، این اولین مورد است: جهان قدرتمند و خواستنی به نظر می‌رسد، اما در واقع احمقانه و کم عمق است.

۱: جهان قدرتمند و خواستنی به نظر می رسد، اما در واقع احمقانه و کم عمق است (۱:۱ تا ۲:۴)

آ: ما در دنیایی از تجملات و قدرت گسترده زندگی می کنیم (۱: ۹-۱)

داستان با این توصیف مجلل از عظمت خشایارشا، و پادشاهی او شروع می شود. ما نیازی نداریم که این را به برادران و خواهران ایرانی خود بگوییم زیرا این تاریخ آنهاست. پادشاهی ای که از هند تا اتیوپی را در بر می گیرد یک امپراتوری وسیع از ۱۲۷ استان. و خشایارشا این جشن های وسیع را برپا می کند و در آنجا همه اشراف و والیان را دعوت می کند و تمام دارایی های خود و طلا و نقره و حیوانات و ثروت و شکوه خود را در مقابل آنها به نمایش میگذارد. به تاج گذاری آتی کینگ چارلز فکر کنید. در واقع قدرت و ثروت خشایارشا به قدری گسترده است که ۱۸۰ روز طول می کشد تا تمام آن رژه ی شکوهمند به پایان برسد. همه جا آویزهای بنفش و ستون های مرمر و نیمکت های طلا وجود دارد. سنگفرش های مروارید، فنجان های طلایی، و مقادیر زیادی شراب. دنیایی از تجملات و شکوه گسترده، ملموس، خواستنی، قدرتمند و چشمگیر

به عنوان قوم خدا، ما در وسط آن زندگی می کنیم. دنیایی از قدرت و ثروت، افراد با نفوذی که به نظر همه چیز دارند، ماشین های قدرتمند، ساعت های گران قیمت و لباس های پر زرق و برق. قدرت بدنی، موفقیت ورزشی درآمدهای نجومی، یوتیوب بازاری که به نظر می رسد هر آنچه را که ما می خواهیم دارند. خیلی چشمگیر به نظر می رسد. ما آن چیزها را می خواهیم و دنیا می خواهد که ما تحت تاثیر قدرتش باشیم، زیبایی آن خیرمکننده است و میخواهد بر اساس ارزش هایش زندگی کنیم

ب: قدرت و خرد جهان واقعاً احمقانه و ناتوان است (۱: ۱۰-۲۲)

یک تناقض وجود دارد؛ امپراتوری قدرتمند و مطلوب به نظر می رسد، اما در واقع احمقانه و ضعیف و ناتوان است.

می بینید، ضیافت بزرگ خشایارشا آنطور که او امیدوار بود پیش نمی رود. او یک ضیافت ۷ روزه برای همه مردان شهر برگزار می کند، جایی که نوشیدنی نامحدود شراب وجود دارد. و - جای تعجب نیست که بعد از ۷ روز نوشیدن نامحدود - او مست است. و در حالی که مست است به ۷ خواجه خود دستور می دهد که ملکه را بیاورند تا او، را به همه مهمانانش نشان دهد. "چون او بسیار زیبا است." اما، بنا به دلایلی که فکر می کنم می توانیم تصور کنیم ملکه و شتی نمی خواهد در مقابل صدها مرد مست به عنوان یکی از دارایی های خشایارشا در مقابل تماشاچیان رژه برود - و او قبول نمی کند. این برای ما کاملاً قابل درک به نظر می رسد. اما این یک فرهنگ باستانی است. حالا او! به تازگی فرمان پادشاه را رد کرده است. هیچ کس فرمان شاه را رد نمی کند! حتی اگر شاه یک احمق مست باشد بنابراین تقاضای مستانه پادشاه به یک بحران منجر شده است. پادشاه از مشاورانش می پرسد که چه کاری باید انجام دهد و آنها اساساً توصیه های وحشتناکی به او می کنند. آنها می گویند که اگر همه این خبر را بشنوند، دیگر هیچ یک از زنان امپراتوری به حرف شوهرشان گوش نمی دهند پس باید او را از ملکه بودن سلب کند تا عبرتی شود برای دیگران. بنابراین و شتی از ملکه بودن سلب می شود، و سپس آنها پیام آورانی را در سراسر امپراتوری می فرستند تا در مورد آن به همه اطلاع دهند. اما نتیجه این میشود که اکنون دیگر همه از هند تا اتیوپی می دانند: خشایارشا یک احمق مست است و حتی همسرش به او گوش نمی دهد

چه ادم سفیه و احمق. خشایارشا این همه قدرت و این همه ثروت را دارد، اما نمی داند چگونه با همسرش رفتار کند و به مشاورانی وابسته است که رک و پوست کنده، توصیه هایشان وحشتناک است. او اکنون چندان باشکوه به نظر نمی رسد

آیا این عکس را در صفحه ای اخبار این هفته ی بی بی سی دیده اید؟

این عکس برنده رده خود در جوایز جهانی عکاسی شد - اما آنطور که به نظر می رسد نیست. کل تصویر توسط هوش مصنوعی تهیه شده است. اصلاً عکس واقعی نیست! به نظر یک چیز است، اما واقعیت کاملاً متفاوت است. و قدرت جهان در واقع اینچنین است - بسیار باشکوه و، بسیار عاقلانه به نظر می رسد، اما در واقع احمقانه است. و در نهایت یک جعل عمیق است. همه ظاهر و بدون محتوا

لیز تراس را به یاد دارید؟ نخست وزیر بریتانیا... به مدت ۴۹ روز این همه قدرت در اختیار داشت، اما معلوم شد که احمقانه و بی فایده است. او کمتر از یک کاهو دوام آورد

کتاب استر خشایارشا و امپراتوری او را مسخره می کند. وقتی قدرت جهان تا این حد باشکوه به نظر می رسد چه کنیم؟ خوب، اگر به یاد بیاوریم چقدر مضحک است و به حماقت آن بخندیم به ما کمک می کند. ایده‌ی جهانی اقتدار یک چیز مسخره است. و این ارزش معنوی طنز است

ج: احساسات امپراتوری واقعا سطحی است و با مردم به عنوان اشیا رفتار می کند (۲: ۱-۴)

پس از این همه مسخره بازی با وشتی، خشایارشا فکر می کند و اساساً متوجه می شود که از همه چیز پشیمان است (۲: ۱). دلش برایش تنگ شده! او توصیه های بیشتری دریافت می کند و این بار باید اساساً یک مسابقه زیبایی برگزار کند. پرشین آیدل. و برنده می تواند ملکه جدید باشد

چقدر سطحی است؟ ما در حال دریافت این تصویر از فرهنگ ایرانی هستیم که در آن اگر مرد هستید، تنها چیزی که اهمیت دارد ثروت و قدرت شماست. و اگر شما یک زن هستید، تنها چیزی که اهمیت دارد زیبایی شما و انجام کاری است که به شما گفته شده است

ای خدا را شکر که ما در چنین جامعه ای زندگی نمی کنیم  
من آن شوخی را از تیم کلر دزدیدم - اما نکته اینجاست: دنیا تغییر نکرده است. آنچه در دنیا مهم است این است که شما چه دارید: ثروت، قدرت، زیبایی، هوش، مهارت اما بدون هویت. در نهایت با مردم طوری رفتار می شود که انگار یکبار مصرف هستند  
فقط به ایران امروز و نحوه رفتار رژیم آنجا، با وجود اینکه ظاهراً کاملاً اخلاقی و مذهبی است، با مردم و به ویژه با زنان فکر کنید. انگار حکومت ها فرقی با هم ندارند و فقط لباس ها تغییر می کنند، اما در ارزش های پوسیده باهم یکسان هستند. ظاهر چه اهمیتی دارد، وقتی که شما خود واقعتان نیستید، مردم برای این حکومتها همچون کالای یکبار مصرف هستند

دوستان، آیا ما شاهی بهتر از این نداریم؟ عیسی قدرت دارد، اما برخلاف خشایارشا از آن برای خدمت به خود و رضایت خود استفاده نمی کند. عیسی از قدرت خود برای خدمت به شما استفاده می کند! روش دنیا زیبا و خواستنی به نظر می رسد، اما همه اینها ساختگی است. راه عیسی واقعاً زیباست

دنیا قدرتمند و خواستنی به نظر می رسد، اما واقعاً ناتوان و کم عمق است. و ما پادشاهی بهتر از این داریم

۲: قوم خدا ضعیف و آسیب پذیر به نظر می رسند، اما خدا در خفا کار می کند (۲: ۵-۲۳)

دومین چیز اصلی اینجاست: قوم خدا ضعیف و آسیب پذیر به نظر می رسند، اما خدا در خفا کار می کند

آ: قوم خدا در ۲ جهان زندگی می کنند - و این خطرناک است (۲: ۵-۱۱)

سرانجام به شخصیت های اصلی می رسیم: مردی به نام مردخای و خواهرزاده‌ی یتیم‌اش استر. مردخای از استر مراقبت می کند، او در واقع او را پس از مرگ والدینش به فرزندی پذیرفته است. اما مهمترین چیزی که ما باید در مورد آنها بدانیم این است که آنها یهودی هستند. آنها بخشی از قوم خدا هستند که در امپراتوری ایران زندگی می کنند: به نظر می رسد که این وضعیت بسیار خطرناکی است. به آیه ۱۰ توجه کنید

«استر درباره‌ی قومیت خود را آشکار نکرده بود، زیرا مردخای به او دستور داده بود که آن را اعلام نکند»

از اعضای قوم خدا بودن در امپراطوری ایران چیز خطرناکی بود. چیزی که به این معنی است که گاهی اوقات استر و مردخای هویت خود را مخفی نگه می دارند. استر آسیب پذیر و، یتیم است و در مواجهه با قدرت و شکوه خشایارشا، وضعیت او بسیار ترسناک است. او در ۲ جهان زندگی می کند: دنیای قوم خدا که در آن به نام هدسه شناخته می شود و دنیای امپراتوری که در آن استر است. قوم خدا در ۲ دنیا زندگی می کنند و این خطرناک است.

آیا یکی از اعضای قوم خدا بودن برای شما چنین احساسی دارد؟ این خود من است که یکشنبه بیرون می آید؟ من مسیحی؟ و آن یکی خود من برای بقیه هفته است، برای مدرسه یا برای کار یا هر چیز دیگری. همانی که به دوستان غیر مسیحی ام اجازه دادم ببینند. ما به طور قطع نمی دانیم، اما استر احتمالاً یک نوجوان است. من می خواهم یک لحظه فقط با نوجوانان/دانش آموزان صحبت کنم، زیرا این احتمالاً برای شما بدترین است: شما در دو جهان زندگی می کنید، دنیای مسیحی و دنیای بیرون. شما احساس می کنید در هر مکانی که نیاز دارید سعی کنید که در آن جا بیوفتید، اما کدام یک از شما واقعی هستید؟ بلند شدن و گفتن "بله، من یک مسیحی هستم، عیسی پادشاه من است و من از او پیروی می کنم" می تواند ترسناک و آسیب پذیر باشد. آیا می توانم به شما اطمینان دهم که عیسی ارزشش را دارد؟ شما مجبور نیستید چیزی را به او ثابت کنید، زیرا او قبلاً جان خود را برای شما داده است. لازم نیست وانمود کنید که شخص دیگری هستید، زیرا او قبلاً شما را دوست دارد.

برخی از شما در کشورهای زندگی کرده اید که گفتن «من از عیسی پیروی می کنم» به صورت علنی بسیار خطرناک است. شما از وضعیت استر و مردخای اطلاع دارید. شما آنجا بوده اید. شما نیازی ندارید که من در مورد آن به شما بگویم.

ب: قدرت جهان برای قوم خدا نیز فریبده است (۲: ۱۲-۱۸)

استر نیز زیبا است، بسیار زیبا، و زیبایی او او را در معرض خطر جدی قرار می دهد، زیرا او به این مسابقه زیبایی کشیده شده است. او را به کاخ بردند و اساساً ۱۲ ماه مراقبت های زیبایی انجام دادند تا او را برای یک شب با پادشاه آماده کند. استر با زرق و برق عالی امپراتوری روبرو می شود: تجملات قصر، غذای خوب، جست و جوی زیبایی.

به هر حال، ۲ نتیجه ممکن برای او وجود دارد - یا او نظر پادشاه را جلب می کند و ملکه می شود یا اینکه تا پایان عمر اساساً یک معشوقه باقی میماند به عنوان زنی که پادشاه ممکن است هر از گاهی برای خوابیدن با او تماس بگیرد، یا اگر او را خیلی دوست نداشته باشد، ممکن است دیگر هرگز او را فرانخواند. او هرگز آزاد نخواهد بود که با شخص دیگری باشد یا خانواده یا زندگی خود را داشته باشد. زیبایی او برایش فقط یک تله توخالی است، مانند هر چیز دیگری که امپراتوری دارد.

ج: خدا در خفا کار می کند (۲: ۱۹-۲۳)

در کتاب استر چیزی واقعاً غیر عادی در جریان است. شاید هنوز متوجه آن نشده باشید، در واقع چیزی درباره ی خدا در این کتاب ذکر نشده است. اسم او اصلاً ذکر نشده است - نه یک بار، نه در کل کتاب! استر تنها کتابی است که در "...کتاب مقدس وجود دارد و حتی یک مورد از خدا ذکر نشده است. این تصادفی نیست، "اوه، اوه، یادم رفت بگویم. عمدی است، یک ابزار ادبی است و به ما چیز عمیقی می آموزد.

شما در استر می بینید که کل طرح به تصادف بستگی دارد. اگر خشایارشا مست نمی شد. اگر وشتی از آمدن خودداری نمی کرد. این چیزی است که در قسمت آخر فصل ۲ اتفاق می افتد. اتفاقی می افتد که به نظر می رسد در حال حاضر بی ربط است، اما بعداً حیاتی خواهد بود که آن اتفاق افتاده است.

پس خدا کجاست؟ چکار میکند؟ خدا در خفا کار می کند. کار او در زندگی روزمره پنهان است، زیرا او بر همه چیز حکومت می کند. این برای ما بسیار مرتبط است - آیا ما اغلب نمی دانیم که خدا چه می کند؟ ما معجزه یا پیشگویی نمی بینیم و تعجب می کنیم که خدا چه کار می کند. خدایا تو در زندگی من چیکار میکنی؟ کار او پنهان است! این یک راز مخفی است، اما قطعی است.

.این پسر من بن است

.عکس بن

همانطور که می بینید، او هفته خوبی را در این هفته سپری نکرده است. شکستگی آرنج، جراحی سخت، ۲ شب بستری در بیمارستان. اگر خواستید عکس وحشتناک اشعه ایکس را ببینید بعداً از من بخواهید که به شما نشان دهم. و روز دوشنبه، در بیمارستان هنگامی که منتظر عملش بودیم، بن پرسید: «چرا خدا اجازه داده این اتفاق بیفتد؟ این بدترین روز زندگی من است!» اتفاقاً حق با اوست شاید بدترین روز زندگی او بود. و من مطلقاً نمی دانم که چرا خدا اجازه داده است که این اتفاق بیفتد

چگونه می توانستم بدانم؟ کار خدا مخفی و پنهان است و ما نمی دانیم که او چه می کند. اما، او کار می کند. بنابراین آیا ما به کاری که او انجام می دهد، حتی زمانی که نمی توانیم آن را ببینیم، اطمینان خواهیم داشت؟

هیچ لحظه ای در تاریخ ضعیف تر از زمانی که عیسی بر روی صلیب درگذشت وجود ندارد. "خدایا چیکار میکنی؟ چرا اجازه دادی این اتفاق بیفتد؟" این عیسی است و او به قتل رسیده است! خدا کاملاً غایب به نظر می رسد. اما آن لحظه، در ضعف و آسیب پذیری کامل عیسی، لحظه ای بود که خداوند پیروزی نهایی خود را بر گناه، مرگ و تاریکی، بر جهان با تمام قدرت و زیبایی جعلی اش به دست آورد. عیسی می میرد اما خداوند او را از مردگان زنده می کند. و اگر خدا حتی از مرگ عیسی بر روی صلیب برای زنده کردن قوم خود استفاده می کند، از چیزهای دشوار زندگی شما نیز استفاده می کند

،نگویید "چرا خدا در زندگی من کار نمی کند؟" مطمئن باشید او هست. دنیای اطراف ما چشمگیر است، فریبنده است، ما آن را می خواهیم - اما وعده هایش توخالی هستند. پادشاه ما از قدرت خود برای خدمت و نجات ما استفاده می کند آیا شما به او وفادار خواهید بود؟ او زیباتر است. راه او ساختگی نیست. این معامله واقعی است. او همه چیز را برای رسیدن به هدفش انجام می دهد. او پادشاه واقعی است از او پیروی نمیکنید؟